

# اڤران: گاهواره‌ی ادبان

(نگارش: ۱۳۸۶-۱۴۰۵)

بخش هفدهم

ویسپویش، سال ۳، شماره ۲



آرمان آرین

«به نام خداوندِ جان و خِرَد  
کزین برتر، اندیشه برنگذرد»

## «دینِ میانه»



- الف. اسلام (این شماره - بخش دوم)  
ب. قرآن چگونه کتابی است و سخن از چه می‌گوید؟  
پ. تسنن، تشیع و چنددستگی مسلمانان  
ت. تصوّف  
ث. شیخیه

## اسلام: (بخش دوم)

بخشی از ایرانیان، شیعه و هوادار خاندان پیامبر شدند و خلافت را غصب شده توسط دشمنان رسول الله دانستند. پس به سرکردگی ابومسلم خراسانی، به عباسیان - که ارادت بیشتری نسبت به خاندان رسول نشان می دادند - یاری رساندند تا بنی امیه را براندازند؛ بنی امیه ای که تعصب عربی شدید، نژادپرستانه و حتی غیراسلامی داشت و دشمنی اش با پیامبر و خاندان او نیز بارها اثبات شده بود.

اما زمانی که خیانت پیشگی بنی عباس با قتل ناجوان مردانه ی ابومسلم خراسانی که سردار اصلی نبرد علیه امویان بود - در ۱۳۷ هجری - بر ایرانیان آشکار شد، قوم فلات نشین کهن، راه چاره ی دیگری جستند.

پس از ابومسلم خراسانی که نام اصلی و ایرانی اش «بهزادان پور و نداد هُرمزد» یا «و نداد هُرمز» بود - و جنبش عظیم او

معروف به سیاه جامگان، احتمالاً برای مردم زمان اش، سویی آخرالزمانی نیز داشت و او را با سیدخراسانی و ۳۱۳ یار قائم، یا به روایتی، خروش شاه بهرام پیش از هوشیدر، یکی فرض می کردند - جنبش های دیگری نیز از سوی ایرانیان برپا شد که از میان آنها می توان به خیزش استادسیس، مُقنّع، مازیار و از همه مهم تر بابک خرّم دین اشاره کرد که همگی ملّی، مسلحانه و اصلاح گرانه بودند. همین طور جنبش شعوبیه که بیشتر به کارهای فرهنگی و ملّی در برابر متجاوزان باور داشت. شکی نیست که ایرانیان به تمامی این جنبش ها، نگاهی آزادی خواهانه و همزمان رستاخیزی داشته اند و آن را از سویی زرتشتی، با خیزش هوشیدر نخستین موعود زرتشت و از سویی اسلامی با قیام قائم آل محمد، در آشکال اولیه اش مقایسه می کرده اند.

زمانی که هارون الرشید یکی از مهم ترین خلفای عباسی، پس از قتل خاندان

**سامانیان** که خود را از نسل بهرام چوبینه<sup>[۲]</sup> می‌دانستند در احیاء فرهنگ ایران کهن، بسی کوشیدند و زبان فارسی را ترویج کردند. از دل مدارس و کتابخانه‌هایی که ایشان در نیشابور و بخارا و خوارزم پدید آوردند بعدها دانشمندانی نظیر ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، زکریای رازی و ابونصر فارابی بیرون آمدند و منشاء خدمات جهانی شدند.

همچنین در عصر سامانی، شعر فارسی رونق گرفت و بزرگانی نظیر رودکی، ابوعلی بلعمی، ابومؤید بلخی و دقیقی ظهور کردند. همزمان با سامانیان در خراسان و فرارودان<sup>[۳]</sup>، حکومت آل‌زیار در بخش‌هایی از ایران برپا شد که «مرداویج» بنیانگذار دیلمی آن دودمان، اصفهان را مرکز پادشاهی خود قرار داد و کوشید شاهنشاهی ایرانیان را احیاء کند. او جشن‌های ایرانی را دیگر بار برپا کرد و حتی بسوی بغداد شتافت تا خلیفه ستمگر را سرنگون کند ولی در راه، به دست عاملان خلیفه به قتل رسید. جانشینان وی نیز عقب کشیدند و به گرگان و مازندران راضی شدند.

ایرانی «برمکیان»، در سال ۱۹۳ هجری در راه سمرقند و در شهر توس از دنیا رفت، پسرش مأمون که از مادری ایرانی بود به خلافت رسید. او در نبردی نزدیک ری، برادرش امین را از میان برداشت و کمی بعد برای به‌دست آوردن دل ایرانیان و شیعیان، امام رضا (ع) هشتمین نواده‌ی رسول‌الله را به ولایت‌عهدی خود برگزید. اما از آنجا که این اقدام او موجب خشم اشراف عرب شد و شورش‌هایی پدید آمد، امام هشتم شیعیان را در نزدیکی توس خراسان به شهادت رساند تا فتنه‌های دربار را آرام سازد.

سپس مأمون به طاهر ذوالیمینین<sup>[۱]</sup> - سرداری که او را در رسیدن به خلافت یاری کرده بود - امیری خراسان را اعطا کرد ولی طاهر ایرانی پس از رسیدن به قدرت، با او در افتاد. او سلسله‌ی **طاهریان** را به عنوان نخستین سلسله‌ی ایرانی پس از حمله‌ی اعراب برپا کرد و به نام خویش سکه زد اما اندکی بعد به دست عمال خلیفه مسموم شد و از دنیا رفت. جانشینان طاهر تا حدود پنجاه سال بر حکومت خراسان باقی ماندند اما بعد به‌وسیله‌ی **صفاریان** برافتادند. یعقوب و پس از او عمرولیث صفاری که به عنوانی تهدیدی جدی برای استبداد خلیفه‌ی بغداد مطرح شده بودند تا مدتی بر سیستان و خراسان فرمان راندند و خود کمی بعد توسط سامانیان از بین رفتند.

[۱] لقب طاهر از برای این بود که در میدان نبرد، با هر دو دست، ماهرا نه شمشیر می‌زد.

[۲] سردار و فرمانروای بزرگ ایرانی در اواخر عهد ساسانی که احتمالاً واپسین فرصت برای بازسازی سیاسی ایران از درون و پیش از حمله‌ی اعراب، در برابر خسرو پرویز ستمگر بود اما در پی از دست رفتن فرصت‌های مانی و مزدک، او نیز مقتول شد.

[۳] ماوراءالنهر



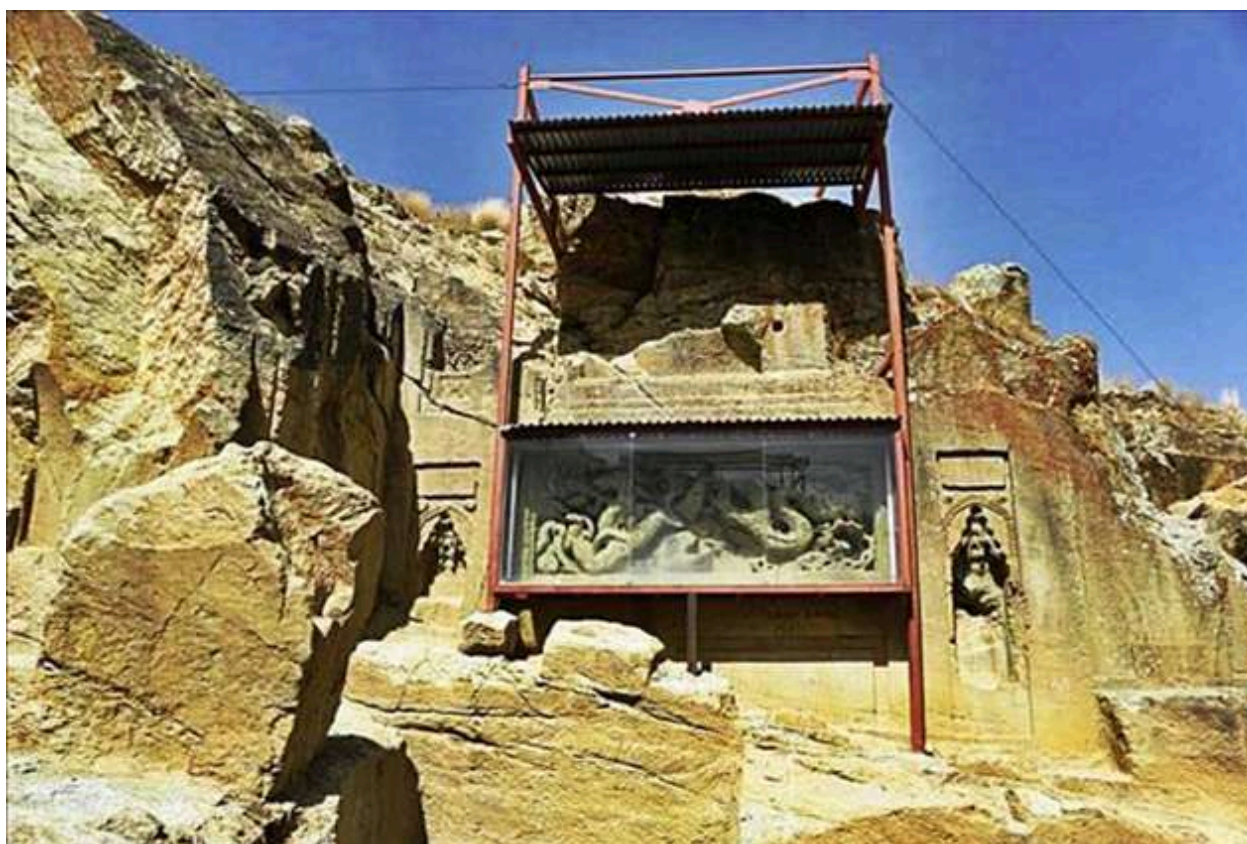
قلعه آلموت حسن صباح  
برفراز کوهساران بالابلند قزوین

نظام‌الملک وزیر را ترور کرد و پیروان او تا سال‌ها به عنوان خطرناک‌ترین دشمن دودمان عباسی در قلعه‌هایشان باقی ماندند. اما با تهاجم هولناک مغولان، بساط تمامی حکومت‌ها و فرقه‌های مسلط بر ایران و جهان اسلام برچیده شد و تا حدود دویست سال، سلسله‌های مغول ایلخانی و تیموری، قدرت را در ایران به‌دست گرفتند. البته با اسلام آوردن مغولان در ایران، به ویژه سلطان محمد اولجایتو که در ۷۱۶ هجری به تشییع‌گروید، فرصت برای تجدید حیات فرهنگی و دینی خصوصاً برای ایرانیان و شیعیان پدید آمد. کوشش‌هایی نظیر جنبش پنجاه ساله‌ی سربداران خراسان در سبزوار که به ایجاد حکومتی منطقه‌ای و شیعی انجامید و کمی بعد با برآمدن حکومت شیعه‌ی صفویه از میان صوفیان اردبیل تکمیل شد.

در همین حدود و زمانه بود که آل‌بویه قدرت را در دست گرفتند و ایران و حتی بغداد را تصرف کردند. خلیفه که از قدرت آنها وحشت‌زده بود، حکومت ایشان را تأیید کرد و به هر سه برادران آل‌بویه - علی، احمد و حسن - القاب والایی اعطا نمود. آل‌بویه که مذهب شیعه داشتند، برای نخستین بار عزاداری عاشورا را در بغداد بپا کردند و دستور به زیارت اهل قبور دادند. اما کمی بعد و پس از حکومت درخشان عضدالدوله دیلمی، در نبردهایی فرسایشی با غزنویان و سرانجام سلجوقیان، آل‌بویه نیز از میان رفتند و حکومت ایران پیش از یورش مغولان به دست دودمان‌های ترک شرقی - غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان - افتاد.

قدرت گرفتن اسماعیلیان به رهبری حسن صباح نیز به دوران سلجوقی بازمی‌گردد. حسن صباح که می‌گویند از دوستان دوره کودکی نظام‌الملک وزیر ملک‌شاه سلجوقی بود، از ایران به مصر گریخت و در دیدار با خلفای فاطمی<sup>[۴]</sup> مصر به مذهب شیعی اسماعیلی گروید. سپس به ایران بازگشت و در قلعه‌ی آلموت قزوین، بیرق نبرد با حکومت عباسی را برافراشت. زمانی‌که نیروی کافی به دست آورد، به ترویج مذهب اسماعیلی پرداخت و حتی

[۴] اسماعیلیان، شیعه‌ی هفت امامی‌اند و از امام علی تا اسماعیل پسر امام صادق (ع) را به عنوان امامان پس از پیامبر، به رسمیت می‌شناسند.



معبد چینی داش‌گستن یا اژدها در نزدیکی سلطانیه زنجان،  
مربوط به دین کهن مغولان پیش از اسلام آوردنشان

در میان همه این زمان‌های دشوار، انتخاب و گزینش بهترین راه، همراه با خودباوری و حفظ ملیت، کار آسانی نبود. ثبت و مکتوب نشده که ایرانیان در آن سده‌های سخت و گذرگاه‌های تاریخی تنگ، بر سر دوگانگی هم «ایرانی ماندن» و هم «تسلیم شدن در برابر یگانه‌خدا»،

دقیقاً چه اندیشه‌ها کردند و چه کوشش‌ها ورزیدند تا آن دوره‌های بی-رحم را در جنبش‌هایی اغلب زیرزمینی، تاب آوردند. اما درهرحال، اندکی نگذشت که جنبش‌های سیاسی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی، طوری از گوشه و کنار ایران سر برآوردند و در پی همه‌ی آنها و نابودی بنی‌عبّاس به دست مغولان، سرانجام سلسله «صفویان» قدرت را در ایران به دست گرفت.

پایان بخش هفدهم؛  
ادامه دارد...

